سبک معیشت

جوان

ترویج سبک زندگی اخلاق‌مدار با احیای بازار اسلامی

یک‌زمانی می‌شد پشت سر کاسب نماز خواند

■ مهدی ارجمند

خدا رحمت کند حاج‌محمد آقای بزاز را. از آن آدم‌های دوست‌داشتنی محله بود که اول بازار مغازه داشت و همیشه کار و کاسبی‌اش گرم‌گرم بود. توی محله معروف بود به آقای بزاز. چون سید بود، همه اهل محل دوستش داشتند مخصوصاً بازاری‌ها چراکه آسید محمد بزاز برای آنها یک الگو به حساب می‌آمد. اهل انصاف بود. همیشه مراعات می‌کرد که جنس باکیفیت به مشتری بدهد. آن وقت‌ها سنم خیلی کم بود اما بعدها که بزرگ‌تر شدم شنیدم خیلی‌ها بودند که آسید محمد به آنها کمک می‌کرد، آخر وضع زندگی‌شان طوری بود که حتی پول نان هم نداشتند آسید محمد حواسش به این آدم‌ها بود. تازه وقتی به رحمت خدا رفت، رازهای دیگری از زندگی او آشکار شد. اینکه مثلاً با چند نفر از بازاری‌ها به خانواده‌های بی‌سرپرست سرکشی و نیازهای مادی آنان را برطرف می‌کردند. به هیئت و مسجد همیشه کمک می‌کردند. جهاز نوعروسان بی‌بضاعت را می‌دادند و خیلی کارهای دیگر. چیزی که برایم جالب است این است که بازاری‌های قدیم مثل طلبه‌ای که درس دینی خوانده باشد احکام شرعی معاملات را می‌دانستند. حساب و کتابشان درست بود و اهل تقوا و انصاف بودند. حالا وقتی با برخی از بازاری‌ها صحبت می‌کنم می‌گویند این گونه کارها هنوز هم در رفتار بعضی کسبه ادامه دارد اما باید گفت الان وضعیت بازار خیلی فرق کرده. کاسب‌های قدیم خیلی‌هاشان «مکاسب» خوانده بودند. از این می‌ترسیم که این کارهای در بازار فراموش شود.

■ **بازار اسلامی، زندگی اسلامی**

حکایت بازار اسلامی و رفتار اسلامی بازاریان همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات پیرامون بازار مورد بحث و بررسی بوده و به اعتقاد کارشناسان دینی و روحانیون، بازار اسلامی از مصادیق بارز سبک زندگی اسلامی است و اگر بازار اسلامی باشد می‌توان به تقویت سبک زندگی اسلامی امیدوار بود.

در این میان برخی از کارشناسان دینی با انتقاد از تغییرات صورت گرفته در شکل ظاهری بازار، نحوه معامله کردن خریدار و فروشنده، نوع کالاهای عرضه شده در بازار و... نگران وضعیت بازار هستند و این دغدغه را دارند که سبک زندگی ایرانی-اسلامی در این نوع بازارها کمرنگ شود.

بازار در گذشته محور یک محله بود که البته این محور خود حول چند محور مهم دیگر مانند مسجد قرار داشت و بازاری‌های قدیم عمدتاً افرادی بودند که برخی از دروس حوزوی مانند مکاسب را گذرانده و تا حد بسیار زیادی با مسائل شرعی مرتبط با معامله و بازار خرید و فروش آشنا بودند.

به اعتقاد کارشناسان دینی و حتی اقتصادی هرچقدر میزان آگاهی و اطلاعات بازاریان از مسائل شرعی مرتبط با خرید و فروش و معامله بیشتر باشد سلامت اقتصادی این نوع بازار بیشتر است و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بازاریانی که در این نوع بازار کار می‌کنند پررنگ‌تر است.

نگاهی به سبک زندگی بازاریان قدیم و نحوه معامله و خرید و فروش آنها این را به ما نشان می‌دهد که آنچه برای بازاریان قدیمی بیش از هر چیز دیگری مهم بود توجه به سود حلال و لقمه پاک بود برای همین است که بسیاری از بازاری‌های قدیمی با مشکلات کمتری روبه‌رو بودند.

به اعتقاد کارشناسان در بازاری که کالای قاچاق به وفور یافت می‌شود، اجاره‌ها سرسام‌آور است، سود کالاها منطقی نیست، قسم دروغ در بازار به گوش می‌رسد، افراد بدون آموزش مسائل شرعی مرتبط با معامله و خرید و فروش وارد بازار می‌شوند، چک‌های برگشتی زیاد شده است، سود کالای اقساطی از نزول هم گاهی اوقات بیشتر است، احتکار دیده می‌شود، گران‌فروشی و کم‌فروشی به چشم می‌خورد، جنس تقلبی در بازار افزایش یافته و... نمی‌توان انتظار داشت که سبک زندگی ایرانی-اسلامی در این نوع بازارها تقویت شود.

شاید برای همین است که دلسوزان این حوزه و کارشناسان دینی و اقتصادی اعتقاد دارند برای بهبود اوضاع، چاره‌ای جز بازگشت اخلاق به گذشته نیست و باید شرایط را به گونه‌ای تغییر داد که بازاری‌های جدید مثل بازاری‌های قدیم رفتار کنند.

شاید برای همین است که در برخی از شهرها سلسله جلساتی با موضوع بازار اسلامی با حضور اصناف مختلف و به همت بسیج اصناف و اتحادیه‌های مرتبط برگزار می‌شود.

■ **فلسفه شکل بازارهای قدیم**

رابطه بازار و مسجد به عنوان یک رابطه همیشگی و پایدار همواره در طول تاریخ تداوم داشته و بازار و مسجد همیشه در کنار هم قرار داشتند اما بررسی‌ها نشان می‌دهد در ساخت برخی از مجتمع‌های تجاری جدید شاید تنها مکانی که به آن کمتر توجه شده احداث محلی به نام مسجد یا نمازخانه است حال اینکه جای خالی این مکان مقدس بیشتر از هر مکان دیگری در بازار احساس می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل ملایی، کارشناس دینی و پیش‌نماز یکی از مساجد می‌گوید: در حقیقت در گذشته بازار در کنار مسجد، حمام و حوزه علمیه قرار داشت که این جانمایی به طور حتم دلایلی داشته است و بازاریان قدیم عمدتاً افرادی بودند که قبل از حضور در حجره و مغازه خود همراه حوزویان در درس مکاسب شرکت می‌کردند احکام معامله را فرا می‌گرفتند و سپس کرکره دکان را بالا می‌دادند.

حجت‌الاسلام والمسلمین ملایی در ادامه می‌گوید: توجه به لقمه حلال و سود منطقی و نیز خوش‌رفتاری با مشتری‌ها و توجه به نیازمندان از ویژگی‌های مهم بازاریان بود که در قدیم بیشتر به چشم می‌خورد.

این کارشناس دینی در ادامه صحبت‌های خود می‌افزاید: احادیث و روایات بسیار زیادی در خصوص نحوه معامله کردن و خرید و فروش داریم که بازاریان قدیمی که البته بسیاری از آنها شاید از سواد کمتری نیز برخوردار بودند این احادیث و احکام را می‌دانستند.

اگرچه عمده جوانانی که وارد بازار شده‌اند افرادی مؤمن و معتقد هستند اما مطمئناً آشنایی هرچه بیشتر آنان با شرعیات بازار و آداب اسلامی معامله کردن ضروری به نظر می‌رسد.

حجت‌الاسلام والمسلمین ملایی در این خصوص می‌گوید: وقتی بازاری مکاسب بخواند و مسائل شرعی مربوط به بازار را بداند آن وقت اطمینان خاطر بیشتری داریم که در این بازار شاهد گران‌فروشی، احتکار، کم‌فروشی، سودهای غیرمنطقی، رباخواری و... نباشیم.

وی اضافه می‌کند: زمانی که بازاری در هر حال خدا را شاهد و ناظر خود بداند و در معاملات خود تنها چیزی که برایش اهمیت داشته باشد رضای خدا و رضایت مشتری باشد مطمئناً شاهد یک بازار اسلامی خواهیم بود.

صحبت‌های این کارشناس مذهبی در حالی است که وقتی با بازاری‌ها صحبت می‌کنیم عمده آنها اعتقاد دارند که یک بازاری باید فردی مؤمن، معتقد و باانصاف بوده و رضای خداوند مهم‌ترین موضوعی باشد که در معامله کردن به آن توجه دارد.

■ **کاسب حبیب خداست**

یک بازاری در حقیقت یک کاسب است و همه می‌دانیم بر اساس حدیث مشهور پیامبر اکرم (ص)، کاسب حبیب خداست. بنابراین کاملاً طبیعی است که از فردی که حبیب خدا لقب گرفته توقع داشته باشیم به گونه‌ای رفتار کند که این رفتار مناسب و شایسته باشد.

یکی از بزرگ‌ترین عبادت‌ها که موجب تقرب به خداوند می‌شود، خدمت‌رسانی به مردم است و فعالیت کسبه در بازارها نیز خدمت بزرگی محسوب می‌شود که نمی‌توان آن را انکار کرد؛ بنابراین یک کاسب و فرد بازاری حبیب خداست و حبیب خدا باید مراقب باشد به گونه‌ای رفتار نکند که این شأنیت او زیر سؤال برود. کاملاً مسلم است که احتکارکننده، کم‌فروش، گران‌فروش و فردی که در بازار به چیزی غیر از سود کلان فکر نمی‌کند نمی‌تواند حبیب خدا باشد. حبیب خدا باید لقمه حلال از هرچیزی برایش مهم‌تر باشد.

> **نگاهی به سبک زندگی بازاریان قدیم و نحوه معامله و خرید و فروش آنها این را به ما نشان می‌دهد که آنچه برای بازاریان قدیمی بیش از هر چیز دیگری مهم بود توجه به سود حلال و لقمه پاک بود برای همین است که بسیاری از بازاری‌های قدیمی با مشکلات کمتری روبه‌رو بودند**

در این میان دلسوزان، فعالان و کارشناسان از هر طریق ممکن توصیه‌های لازم را به بازاریان و کسبه در این خصوص دارند و آنهایی که تریبون در اختیار دارند سعی می‌کنند این مسئله را به کسبه و بازاریان گوشزد کنند که توجه به خدا در هنگام معامله باعث می‌شود تا کاسب مؤمن از سقوط به دره تباهی نجات یابد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد تقی رهبر نماینده اصولگرای مجلس و امام جمعه موقت اصفهان چندی پیش در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها به این موضوع مهم تأکید کرده و گفته است: با نفوذ تکنولوژی و تغییر سبک زندگی به غربی، آموزش مکاسب نیز به عنوان یکی از اصول سبک زندگی اسلامی مورد غفلت شدید قرار گرفته است.

وی با توجه به اهمیت سنت آموزش علم مکاسب پیش از پرداختن به امور تجارت که در جامعه کنونی کمرنگ شده است، اظهار داشت: روایاتی از ائمه داریم با این مضمون که «اول فقه، سپس بازار و تجارت» که نشانه اهمیت یادگیری اصول پیش از آغاز تجارت است.

وی افزود: این موضوع یکی از دستورات اسلام است که در ابتدای هر امری مانند ازدواج، کسب و کار، حکومت، سیاست و حتی تعلیم و تربیت فقه مرتبط با آن موضوع را بیاموزید.

امام جمعه موقت اصفهان با بیان اینکه فقه تجارت به معنای دانایی و داشتن آداب کسب و کار است، تأکید کرد: در زمان‌های گذشته مردم به قدری به تعهدات دینی خود پایبند بودند که مصداق ضرب‌المثل «مو را از ماست کشیدن» در معنای مثبت بوده است.

وی اضافه کرد: در آن زمان به دلیل علاقه وافر مردم به یادگیری اصول تجارت اسلامی پیش از راه‌اندازی کسب و کار به طور معمول یکی از علمای حوزه یا مدارس علمیه بازار، افراد را دور یکدیگر جمع می‌کردند و اصول خرید و فروش صحیح، موارد مؤثر در حرام و حلال بودن معامله و مواردی همچون عدم گران‌فروشی و غش در معامله، ریاکاری و ظاهرسازی در اجناس را به آنها آموزش می‌دادند.

حجت‌الاسلام رهبر اظهار داشت: در تاریخ داریم که حضرت علی (ع) در بازار مسلمین حرکت و هرجا تخلفی مشاهده می‌کردند این موضوع را تذکر می‌دادند.

وی افزود: این آموزش‌ها مبتنی بر روش سنتی اسلامی ماست که در دوره معاصر با نفوذ تکنولوژی روز و تحولات اجتماعی و تغییر سبک زندگی اسلامی به غربی بسیار کمرنگ شده و آموزش مکاسب نیز به عنوان یکی از اصول سبک زندگی اسلامی نیازمند احیای دوباره است.

امام جمعه موقت اصفهان تصریح کرد: با توجه به تأکیدات رهبری درباره سبک زندگی اسلامی باید این کلمه را در باب اموال، خانواده، جامعه، فرهنگ و غیره در رسانه‌ها درشت کنیم و این امر در باب تجارت نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.

حجت‌الاسلام رهبر اضافه کرد: این موارد با آداب فقه که تمام موارد به شکل جزئی توضیح داده شده تفاوت دارد و بر این اساس نیازمند توجه جدی‌تر مسئولان دولتی برای آموزش اصول فقهی و اسلامی قانون تجارت هستیم.

■ **نماز خواندن پشت سر کاسب‌های قدیمی**

با شنیدن اظهارنظر این امام جمعه و به لحاظ اهمیت موضوع برای بررسی بیشتر این موضوع به سراغ یکی دیگر از کارشناسان دینی می‌روم و موضوع را حجت‌الاسلام والمسلمین میرکریمی استاد حوزه و دانشگاه در میان می‌گذارم.

این کارشناس دینی نیز با استقبال از طرح چنین موضوعاتی در رسانه‌های مختلف می‌گوید: واقعیت این است که بازاری‌های قدیم عمدتاً آدم‌های باتقوایی بودند که حتی بدون وضو کرکره دکان را بالا نمی‌زدند و در محل کار خود بدون وضو و طهارت حاضر نمی‌شدند.

وی با بیان اینکه با یک بررسی کوتاه به خوبی متوجه می‌شویم که شیوه فعالیت کسبه و بازاری‌های قدیم شیوه دوست‌داشتنی و مبتنی بر معامله اسلامی بود می‌افزاید: بازاری‌های قدیم به گونه‌ای زندگی می‌کردند که آدم به راحتی و با اطمینان می‌توانست پشت سر آنها نماز بخواند.

این استاد حوزه و دانشگاه می‌افزاید: یتیم‌نوازی، مشتری‌مداری، توجه به اخلاق اسلامی در معامله کردن، سحرخیزی، توجه به کسب لقمه حلال، پرداخت خمس و زکات، پرهیز از دروغ خصوصاً قسم دروغ، حضور در نمازجماعت مسجد بازار، مشارکت در کارهای خیریه، چشم‌پوشی از سود کلان و غیرمنطقی، دوری کردن از احتکار و گران‌فروشی، پرهیز از کم‌فروشی، توجه به نیازمندان و... مهم‌ترین خصوصیات بازاریان و کسبه قدیم است.

حجت‌الاسلام والمسلمین میرکریمی می‌گوید: کاسبان قدیمی کارشان برکت داشت و بسیاری از دغدغه‌های بازاری‌های امروزی را نداشتند. وی اضافه می‌کند: یک بازاری در گذشته امین مردم بود و ارتباط بسیار مناسبی بین او و روحانی و پیش‌نماز مسجد برقرار بود و هرگاه افراد نیازمند آبرودار مشکل خود را با روحانی محل در میان می‌گذاشتند روحانی از طریق کسبه مؤمن و باانصاف بدون اینکه کسی متوجه شود و خدای ناکرده ریا صورت گیرد مشکل و گرفتاری او را حل می‌کرد.

وی در پایان صحبت‌های خود خاطر نشان می‌کند: رفتار کردن به شیوه بازاریان قدیمی و کسبه دوست‌داشتنی قدیمی کار سختی نیست و اگرچه قبول داریم وضعیت بازار با گذشته بسیار تغییر کرده اما مطمئناً اگر کاسب و بازاری در معاملاتی که انجام می‌دهد رضای خدا و رضایت مشتری را در نظر بگیرد می‌توان امیدوار بود که مانند سال‌های گذشته یک بازار دوست‌داشتنی با خاطراتی شیرین داشته باشیم. بازاری که در کنار مسجد قلب هر محله به حساب بیاید.

> **یک بازاری در گذشته امین مردم بود و ارتباط بسیار مناسبی بین او و روحانی و پیش‌نماز مسجد برقرار بود و هرگاه افراد نیازمند آبرودار مشکل خود را با روحانی محل در میان می‌گذاشتند روحانی از طریق کسبه مؤمن و باانصاف بدون اینکه کسی متوجه شود و خدای ناکرده ریا صورت گیرد مشکل و گرفتاری او را حل می‌کرد**

سبک اخلاق

پای صحبت حاج‌رجب، کاسب ۸۳ ساله

بازاری‌های قدیم یک ریال خمس بدهکار نبودند

با اینکه نزدیک ده سال است دیگر در مغازه و دکانش حاضر نمی‌شود و کار را سپرده به پسرهایش اما هنوز هم با شیرینی خاصی از خاطرات بازار و ۶۳ سال حضورش در بازار صحبت می‌کند. حاج‌رجب محمدی حالا ۸۳ سال سن دارد و تا ده سال پیش هر روز صبح بعد از نماز صبح کرکره مغازه‌اش را می‌داد بالا، بسم‌الله می‌گفت و بعد از اینکه صبح اول وقت یک اسپند خوشبو دود می‌کرد و پشت سر هم صلوات می‌فرستاد پشت پاچال مغازه‌اش می‌نشست و به کسب و کار می‌پرداخت.

مغازه‌اش درست وسط بازار بود، بازاری که حالا صحبت از تخریب آن و ساخت یک مجتمع تجاری است. شغل حاج‌رجب پیراهن فروشی بود. شلوار و پیراهن مردانه. خودش هم تولید می‌کرد و هم می‌فروخت اما از تولیدی‌های دیگر هم کمک می‌گرفت.

شاگردهای زیادی را تربیت کرده که خیلی‌هایشان الان برای خودشان در بازار اسم و رسمی دارند.

چهار پسر و سه دختر دارد. از همین مغازه هر هفت نفر آنها را عروس و داماد کرده، خانه خریده، حج تمتع رفته، کربلا مشرف شده و حالا مغازه را به دوتا از پسرهایش واگذار کرده که البته با زمانی که حاج‌رجب مغازه را اداره می‌کرد خیلی فرق کرده است. حالا مغازه پیراهن‌فروشی حاج‌رجب و پسران، یک فروشگاه شیک کت و شلوارفروشی است. کت و شلوارهایی که توی همین شهر تولید می‌شوند و هیچ سنخیتی با چین و ترکیه و کشورهای دیگر ندارند.

حاج‌رجب به خنده‌رویی، تقوا و انصاف بین مشتری‌ها و بازاریان معروف است و حالا وقتی که در این سن با او صحبت می‌کنیم همچنان خنده‌روست و با اینکه از بیماری رنج می‌برد اما لبخند روی لبان پیرمرد هیچ وقت محو نمی‌شود.

وقتی با او درباره بازار و کسبه قدیم صحبت می‌کنیم می‌گوید: من ۶۳ سال در بازار کار کردم یعنی از سن ۱۰ سالگی که شاگردی و بعد برای خودم مغازه کوچکی اجاره کردم و به لطف خدا کار و بارم را هر سال نسبت به سال گذشته توسعه دادم تا اینکه بعد از ۶۳ سال کار در بازار، ۱۰ سال پیش خودم را بازنشسته کردم و حالا در این سن پسرهایم مغازه را اداره می‌کنند.

> **بازاری‌های قدیم و کسبه افرادی بودند که لقمه حلال برایشان خیلی اهمیت داشت. احتکار و گران‌فروشی توی بازار خیلی کم بود. اگر کسی این کار را می‌کرد اول از همه همان بازاری‌ها به او اعتراض می‌کردند که مثلاً این چه کاری است که تو می‌کنی مگر نمی‌دانی این کارها گناه دارد و حرام است؟ کاسب‌های قدیم حتی یک ریال خمس بدهکار نبودند و همیشه سر سال حساب مالشان را می‌کردند و سهم امام و خمس‌شان را می‌دادند، برای همین هم کاسبی‌شان برکت داشت**

حاج‌رجب درباره کاسب‌های قدیمی می‌گوید: بعضی از همسایه‌ها و کسبه قدیمی بازار به رحمت خدا رفته‌اند اما بعضی‌هایشان هنوز زنده‌اند، هرچند خیلی‌هایشان مثل من بازنشسته شده‌اند. به گفته او بازاری‌های قدیم و کسبه افرادی بودند که لقمه حلال برایشان خیلی اهمیت داشت. احتکار و گران‌فروشی توی بازار خیلی کم بود. اگر کسی این کار را می‌کرد اول از همه همان بازاری‌ها به او اعتراض می‌کردند که مثلاً این چه کاری است که تو می‌کنی مگر نمی‌دانی این کارها گناه دارد و حرام است؟

حاج‌رجب می‌گوید: کاسب‌های قدیم حتی یک ریال خمس بدهکار نبودند و همیشه سر سال حساب مالشان را می‌کردند و سهم امام و خمس‌شان را می‌دادند، برای همین هم کاسبی‌شان برکت داشت.

این کاسب قدیمی در ادامه می‌گوید: پشت سر برخی از کاسب‌های قدیمی می‌شد نماز خواند، باور کنید انسان‌های باتقوایی بودند که انصاف و عدالت را در معامله کردن خیلی خوب رعایت می‌کردند.

وی می‌افزاید: ساعت کار کاسب‌های قدیم هم خیلی جالب توجه بود، آنها صبح که برای نماز بیدار می‌شدند دیگر نمی‌خوابیدند، صبح زود می‌آمدند مغازه چون اعتقاد داشتند خدا روزی را صبح زود تقسیم می‌کند. ظهر هم حتماً می‌رفتند نماز جماعت مسجد و پای منبر پیش‌نماز مسجد می‌نشستند و احکام دینی را یاد می‌گرفتند مغرب و عشاء هم حتماً نماز جماعت را در مسجد می‌خواندند و شب خیلی زود تعطیل می‌کردند.

او می‌گوید: خیلی از بازاری‌ها شب وقتی تعطیل می‌کردند علاوه بر اینکه اعتقاد داشتند باید کنار خانواده بوده و به آنها در کارهایی که دارند کمک کنند خیلی شب‌ها یا جلسه قرآن می‌رفتند یا هیئت یا با برخی دیگر از بازاری‌ها و کسبه در زورخانه یا محل دیگری مثل قهوه‌خانه جمع می‌شدند؛ آنجا بود که گاهی اوقات مشکل فردی آبرومند مطرح می‌شد و همین بازاری‌ها تصمیم می‌گرفتند هرطور هست به او کمک کنند.

حاج‌رجب نقل می‌کند: آن قدیم‌ها یادم هست زمانی اگر یک نفر از بازاری‌ها از دنیا می‌رفت مغازه‌های بازار و همسایه‌های او تا یک هفته دکان را باز نمی‌کردند و بعد از برگزاری مراسم دفن و کفن میت و شب هفت، صاحبان عزا می‌آمدند و در یک مراسم با حضور فرزندان و بستگان درجه یک آن مرحوم مغازه را باز می‌کردند.

این کاسب قدیمی از یک رسم زیبا نیز در بین بازاری‌های قدیمی خاطره‌ای را بیان می‌کند و می‌گوید: رسم جوانمردی در بین بازاری‌های قدیم بیشتر به چشم می‌خورد حسابی هوای یکدیگر را داشتند و اصلاً به یکدیگر حسادت نمی‌کردند. شاید باورتان نشود مثلاً اگر در بازار کنار هم دو مغازه لباس‌فروشی وجود داشت و یکی از مغازه‌ها تا نزدیکی‌های ظهر از آن یکی دیگر بیشتر می‌فروخت، ظهر که می‌شد دکانش را می‌بست و می‌رفت و اینگونه با خودش فکر می‌کرد که بالاخره روزی من از صبح رسیده است حالا نوبت این همسایه و رفیقم هست که کاسبی کند. می‌رفت و بعدازظهر دکان را باز نمی‌کرد.

حاج‌رجب می‌گوید: راستی الان کجا بازارهای ما این طوری است؟ کجا شما سراغ دارید توی بازارهای شیک امروزی این کارها انجام شود؟ البته قبول داریم الان این قدر مشکلات زیاد شده که انجام دادن این کارها خیلی سخت است اما باور کنید امکان‌پذیر است، این کارها با اعتقادات ما پیوند خورده است.

حاج‌رجب خنده‌رو در ادامه به اعتماد بسیار زیاد در بازارهای قدیمی اشاره می‌کند و می‌گوید: کاسب‌های قدیمی خیلی به هم اعتماد داشتند به مشتری‌هایشان هم همین‌طور، مثل الان چک برگشتی و کلاهبرداری این قدر زیاد نبود، بازاری‌های قدیم آدم‌های باصفایی بودند که خدا خیلی دوستشان داشت.

این کاسب قدیمی صحبت‌های خود را با توصیه به کاسب‌های جوان پایان می‌دهد اظهار می‌دارد: از همین پیرمردها و کاسب‌های قدیم یاد بگیرید ببینید چطور رفتار می‌کردند، آیا ضرر کردند؟ همیشه خدا هم کار و کاسبی‌شان برکت داشت. شما جوان‌ها هم مثل کاسب‌های قدیم رفتار کنید خدا را در نظر بگیرید و باور کنید که کاسب حبیب خداست.